

جمهوری اطلاعات

دولت الکترونیک، حق یا تکلیف؟!



حامد اکبری، پژوهشگر سیاست‌گذاری دولت الکترونیک

● مدت زیادی از ظهور مفهوم «دولت الکترونیک» در کشور نمی‌گذرد ولی سیری که تا به حال در موضوع دولت الکترونیک طی شده، مثل هر پدیده دیگری واجد مبانی نظری گوناگون، اعمال سلاقی متصدیان، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران و متأثر از تعامل با جامعه بوده و ردپای هرکدام از این متغیرهای مؤثر بر شکل‌گیری دولت الکترونیک قابل مطالعه و آسیب‌شناسی است.

مسئله محوری این یادداشت این است که دولت‌های متولی و مدعی ایجاد دولت الکترونیک در ۲۰ سال گذشته، این موضوع را به مثابه حقی برای خود پنداشته یا از جمله تکالیف خود دانسته‌اند؟ در بسیاری از متون قانونی و سیاستی در حوزه دولت الکترونیک صحبت از دستاوردهایی است که ایجاد دولت الکترونیک برای دولت دارد، ازجمله انواع صرفه‌جویی‌های زمانی، مالی، انرژي، کاغذ و... و همچنین بحث‌های مفصل پیرامون ظرفیت نظارتی و کنترلی با آن برای دولت به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر بطور زیادی از قوانین و سیاست‌ها در توضیح اهمیت و ضرورت دولت الکترونیک، نگاهی دولت‌محور داشته و با تمرکز بر بعد حکمرانی دولت الکترونیک، توقیفات و ظرفیت‌های مفیدی که پیش‌روی دولت‌ها قرار می‌دهد، از ضرورت و اهمیت دولت الکترونیک دفاع کرده و ذیل آن دستورالعمل‌ها و قوانینی را در ارتباط با دولت الکترونیک شرح، مصوب و ابلاغ کرده است.

در برخی دیگر از اسناد سیاستی و قانونی غالباً بالادستی، دولت الکترونیک از منظر ضرورت خدمات‌رسانی بهتر به شهروندان و مردم مورد توجه قرار گرفته است و بر بعد صرفه‌جویانه مالی، انرژی، زمان و کاغذ، به نفع مردم و مبتنی بر سهولت دریافت خدمات، رضایت عمومی، حقوق شهروندی و کاهش هزینه اخذ خدمت تأکید کرده و ذیل آن تکالیفی را برای دستگاه‌ها و دولت تعریف و ابلاغ کرده است.

البته تعاریف ارائه‌شده از دولت الکترونیک در این سال‌ها در مسیر اجرا و دگرگینی دولت الکترونیک هم مؤثر بوده است. در تعریف دولتی حادقلی دولت الکترونیک که سال‌های اولیه ظهور این مفهوم مبنای برنامه‌ریزی‌ها قرار گرفت، عبارت بود از ارائه خدمات عمومی دولتی به‌صورت الکترونیک. این تعریف که مدت‌هاست در دنیا و البته در ایران منسوخ شده جایش را به تعاریف دقیق‌تر و عملیاتی‌تر داده است و می‌تواند مبنای بحث قرار گیرد. یکی از تعاریف مورد اتفاق نظر پژوهشگران و نقش‌آفرینان حوزه دولت الکترونیک عبارت است از «ارائه و اخذ حضوری خدمات عمومی».

ایسن تعریف که بسیاری از کارکردهای دولت الکترونیک را در خود مستتر دارد، آشکارا با فروگاستن مفهوم دولت الکترونیک به خدمات الکترونیکی دولتی در تضاد است. در واقع می‌توان گفت، تعریف اولیه، دولت الکترونیک را حقی برای دولت‌ها در ارائه خدمات جاری‌شان فرض کرده بود- و این تعریف بر وجه تکلیفی دولت الکترونیک برای دولت‌ها تمرکز دارد. بنابراین اگر فعالیت‌های دولت الکترونیک معطوف بر امکان دریافت خدمات به صورت غیرحضوری باشد، درواقع مسئولیت عملیاتی‌کردن فرآیندهای خدمات تکلیف دولت و دستگاه موردنظر فرض شده و شهروندان صرفاً برای دریافت خدمت موردنظر، وظیفه «اعلام هویت» دارند و نه بیشتر! ولی اگر خدمتی که ذیل عنوان دولت الکترونیک قرار گرفته، فعالیتایی غیر از اعلام هویت را در زنجیره اخذ خدمت بر عهده شهروندان قرار داده باشد، درواقع دولت الکترونیک را حقی برای دولت فرض کرده که اگر با همکاری متقاضیان خدمت و یک سلسله فعالیت‌های مکمل آنها همراه شد، احتمالاً آن خدمت برای متقاضی عملیاتی می‌شود و اگر ایسن همکاری صورت نگرفت، خبر درواقع تسدیس است از فعالیت تحت عنوان دولت الکترونیک به‌عنوان تکلیف شهروندی فرض شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر اقدام با عنوان خدمات دولت الکترونیک که به نحوی از انحا وظیفه‌ای را برای شهردن تعریف کرده باشد، از جمله اخذ هزینه ارائه خدمت از شهروندان یا هرگونه الزام به ارائه هاردیکی و تصویر مدارک و انواع استعلامات یا حتی مراحل احراز هویت بیش از یک مرحله، هر گونه اطلاع‌رسانی خدمات با عنوان و به جای دولت الکترونیک اعم از متن قوانین و آیین‌نامه‌ها، هرگونه عبارات شبیه «متعاقبا اعلام خواهد شد» و «در آینده فعال خواهد شد» که نیازمند پیگیری و رصد شهروندان باشد و انعکاس هرگونه اخبار و سخنرانی مسئولان و... درواقع از تعریف دقیق دولت الکترونیک بیرون است و عملاً دولت الکترونیک را حقی برای دولت‌ها در نظر گرفته که می‌تواند به هر دلیلی متوقف و معلق شود. نگارنده بر این باور است که یکی از مهم‌ترین دلایل طراحی غیرکارا و غیرمنطبق دولت الکترونیک کشور، با وجود هزینه‌های سرسام‌آور آن در سال‌های اخیر، همین نگاه اختیاری نزد دولت‌هاست که مقوله دولت الکترونیک را از حیث «خدمتی» آن خارج کرده است. گویی که اگر دولت موفق به ارائه هر سطحی از ارائه خدمات عمومی دولتی به صورت الکترونیک شد نعم‌ال مطلوب و اگر به هر دلیلی این اتفاق بیفتاد مشکلی رخ نده است!

شرق: «سیاست‌های ما روستاهای خودبسنده دیروز را به خوابگاه‌هایی تبدیل کرده که خدماتی شده‌اند. روستاهایی که دیگر مولد نبوده و مصرف‌کننده شده‌اند». این چکیده‌ای از دغدغه‌های عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، رئیس انجمن توسعه روستایی، درباره وضعیت روستاهای کشور است. آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد روستاها در حال آفرتن هستند. از روستاهای تولیدکننده دیروز روستاهایی مصرف‌کننده داریم که ضریب تولیدشان به ۴۰درصدی رسیده و اشتغال خدمات ضریب ۶۰درصدی پیدا کرده است. مشروح گفت‌وگو با رئیس انجمن توسعه روستایی و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در ادامه می‌آید:

سیاست‌های کشور در زمینه توسعه روستایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چرا روستاهای ما خالی از سکنه می‌شوند؟

عوامل متعددی در زمینه تخلیه روستاها مؤثر هستند. یکی از آنها نگرش و اندیشه حاکم بر کشور است. مجموعه سیاست‌گذاران ما نگرش توسعه روستایی ندارند. اعتقادی هم به این مسئله ندارند. سیاست‌گذاران ما در دوره کلاسیک به لحاظ تفکر سیاست‌گذاری زندگی می‌کنند. هنوز برای آنها یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی با گسترش شهر سنجیده می‌شود؛ درصورتی‌که درحال‌حاضر در دنیا این‌گونه نیست. ما در خیلی از کشورهای اسکاندیناوی، ۷۰ درصد بازگشت به روستا را شاهد هستیم؛ زیرا آنجا همه امکانات وجود دارد و از سوی دیگر روستا یک محیط بدون آلودگی و سروصداست. ما این نگرش را هنوز نداریم. نگرش علمی به روستا نداریم. نبود نگرش علمی در سیاست‌گذاری یعنی اینکه روستاییان را هنوز به‌عنوان شهروند به رسمیت نشناخته‌ایم و حقوق آنها را رعایت نمی‌کنیم. روستاها را تابع شهر می‌دانیم. از سوی دیگر از جنبه برنامه‌ریزی مشکل داریم. کارشناسان ما هم به تبعیت از سیاست‌گذاران تفکر برنامه‌ریزی بخشی را دارند. برنامه‌ریزی راهبردی ندارند. وقتی برنامه راهبردی ندارند؛ یعنی اینکه فقط مسائل کلیدی را در هر دوره به صورت مقطعی مورد توجه قرار می‌دهند. درحالی‌که باید مسائل کلیدی را در یک زمان مشخص در نظر گرفت، برای آن برنامه عملیاتی طراحی کرد و سپس این برنامه را پایش کرد تا نتایج آن روشن شود. از جنبه مدیریتی نیز کسانی را برای ساماندنی روستا انتخاب می‌کنیم که نه ینش سیاست‌گذاری را می‌فهمند و نه برنامه‌ریزی بلد هستند. شیوه مدیریت آنها نیز حکمروایی نیست. بیشتر مداخله‌کننده است با اعمال به شیوه قدرت است. مجموعه این عوامل پیامدهایی را برای روستاها به همراه دارد. در چنین شرایطی مهاجرت یک اصل طبیعی قلمداد می‌شود. عجلانی است که وقتی روستایی می‌بیند این شرایط وجود دارد و خودش هم هیچ نقشی در بهبود شرایط ندارد، به شهر مهاجرت کند؛ اما چون در محیط شهر هم نمی‌تواند خوب مدیریت کند، یکی از آثارش حاشیه‌نشینی است. زمینه بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در چنین شرایطی فراهم می‌شود. اینها چارچوب بنیادینی است که در زمینه روستا وجود دارد؛ اما به آن توجهی نشده است.

● **منظور از به‌رسمیت‌نشناختن حقوق روستا چیست؟** هم حقوق مکانی و هم حقوق انسانی روستا را به رسمیت نمی‌شناسند. حقوق مکانی یعنی اینکه در قلمرو سرزمین ایران همه مردم ایران اهانت

لایا مرگن: روستاها متولی مشخصی ندارند. نبود متولی برای مدیریت روستاها و تعدد تصمیم‌سازان در این حوزه، سبب شده که برنامه مشخصی برای توسعه روستایی نداشته باشیم. از سوی دیگر روستاییانی که هیچ نقشه راهی در پیش‌رو ندارند، برای رفع نیازهای فراینده خود به بهره‌کشی از طبیعت روی می‌آورند. اغلب عرصه‌های طبیعی حاشیه روستاها به‌شدت تخریب‌شده هستند و این مسئله، مشکلات زیادی را برای کشورهای مختلف جهان از جمله ایران ایجاد می‌کند. عدم برنامه‌ریزی منسجم برای روستاها معضلی است که سازمان ملل هم به آن توجه کرده است و تلاش کرده در قالب برنامه‌های جهانی و با کمک به کارشناسان کشورهای مختلف، مسیری صحیح برای مدیریت روستاها، متناسب با شرایط هر کشور تعریف کند تا به‌این‌ترتیب، با اصلاح فقر در جوامع، مانع تخریب سرزمین شود. پروژه ترسیب کربن یکی از پروژه‌هایی است که تلاش می‌کند با بهبود شاخص‌های زندگی جامعه روستایی مانع بهره‌کشی از زمین و هذف پوشش گیاهی شود تا ه‌دف نهایی جلوگیری از گرمایش جهانی محقق شود.

برآورده‌ها نشان می‌دهد در پایان قرن حاضر درآمد متوسط جهانی تحت‌تأثیر افزایش دمای کره زمین، ۲۱ درصد کاهش می‌یابد. خاورمیانه یعنی جایی که ایران در آن واقع شده و کمی بیش از سه دهه آینده، به‌شدت تحت‌تأثیر گرمایش جهانی خواهد بود. برای اینکه زمین بیش از آنچه امروز گرم شده، گرم نشود و از آسیب‌های گرمایش جهانی در امان باشد، باید مانع انتشار دی‌اکسیدکربن ششویم با اینکه فضایی را فراهم کنیم که این گاز در زمین رسوب کند. پیکره گیاهان به‌ویژه چوب درختان یکی از فضاهایی است که حجم زیادی کربن را در خود رسوب می‌دهد. به‌همین‌دلیل به گفته فرهاد سرداری، سرپرست اداره کل امور بیابان سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، کنوانسیون بیابان‌زدایی به‌عنوان یکی از سه کنوانسیون اصلی سازمان ملل متحد، پروژه‌ای تحت عنوان ترسیب کربن را تعریف کرد تا با جلوگیری از تخریب سرزمین و حذف پوشش گیاهی، زمینه رسوب دی‌اکسیدکربن را در کشورهای تحت پوشش این پروژه افزایش دهد. به‌این‌ترتیب با افزایش جذب دی اکسیدکربن، اندکی از تبعات ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای کاسته خواهد شد. او به «شرق» می‌گوید: کنوانسیون بیابان‌زدایی با مشارکت کشورهای مختلف، بسته به شرایط هر منطقه یک برنامه اقدام ملی، برای جلوگیری از تخریب سرزمین تدوین می‌کند.

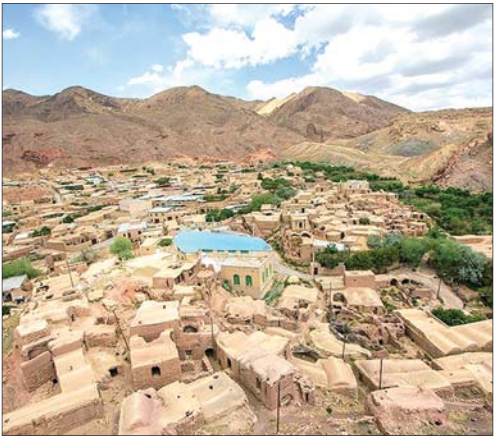
دستگاه متعدد درگیر برنامه اقدام ملی مقابله با تخریب سرزمین

به گفته سرداری دستگاه‌های متعددی از جمله سازمان جنگل‌ها، درگیر برنامه‌های اقدام ملی برای مقابله با تخریب سرزمین هستند اما از آنجا که انسجام بین این سازمان‌ها وجود نداشت، با کمک کنوانسیون بیابان‌زدایی برنامه اقدام ملی نوشته شد. باید این برنامه در قالب یک پروژه پایلوت در کشور اجرا می‌شد؛ به‌همین‌دلیل طرح ترسیب کربن شکل

اقتصاد

رئیس انجمن توسعه روستایی در گفت‌وگو با «شرق» اعلام کرد

آمارهای نگران‌کننده از روستا



داشته و تابعیت دارند. تابعیت و اقامت انسان‌ها نوعی حقوق بر دولت تحمیل می‌کند که باید این حقوق به رسمیت شناخته شود. اینجا انسان مطرح است و بحث شهری و روستایی بودن نیست. بخشی از حقوق هر دو قشر مشترک است؛ یعنی افراد شهری و روستایی حقوق مشترک، حقوق خاص و حقوق راهبردی دارند. باید حاکمیت در درجه اول این سه حق را به رسمیت بشناسد. اینجا بحث‌های حقوق بشری مطرح می‌شود. حقوق مکان‌ها خیلی مهم است و روستاها در موقعیتی که قرار گرفته‌اند، دارای کشش‌پذیری به لحاظ جمعیتی هستند؛ بنابراین ساختارهای مشخصی دارند. نباید بیش از حد تحمل روستاها بازرگاری به آنها تحمیل کرد. این مسئله فشار بر زمین وارد می‌کند و تعادل اکوسیستم و تعادل بین بعد اکولوژی طبیعی و سیستم اجتماعی را به هم می‌زند. باید جای پای اکولوژی را به رسمیت بشناسیم. مکان هم یک موجود زنده است که باید برای تعادل بخشی به این مسئله، کشش و ظرفیت‌ها را در نظر بگیریم و نسبت به آن برنامه‌ریزی و مدیریت کنیم. اینها حقوق مکانی و انسانی روستاها هستند که باید به آن توجه کرد.

● منظور از مدیریت مداخله‌کننده چیست؟

ما مدیریت مداخله‌کننده حادثی در روستاها داریم؛ یعنی ما نهادهای مدنی خرد و نهادهای عرفی روستایی را که وجود داشته و دارد و این نهادها، مجموعه‌هایی هستند که فرهنگ خاصی دارند تقویت نکرده‌ایم. می‌خواهیم همه‌چیز را از طریق دولت انجام دهیم.

● **چرا ما حقوق عرفی روستاییان را تقویت نکرده‌ایم؟ دولت برای حفظ نفوذ خود در روستاها این حقوق عرفی را تقویت نکرده است؟**
ما یک تاریخ خودخواهی و خودرایی داریم. به این سادگی نمی‌توان اینها را حذف کرد. دانش ما چون کلاسیک بوده (حتی دانش علمی)، برنامه‌ریز فکر می‌کرد همه‌چیز را خودش می‌داند و مردم نباید در مسائل دخالت داده شوند. درصورتی‌که امروز برنامه‌ریزی از سوی مردم و با مردم انجام می‌شود. اینجا نهادهای مدنی می‌توانند نقش خود را خوب ایفا کنند و از مداخله‌گری فاصله بگیرند. امروز دولت تسهیل‌گر است. برنامه‌ریز

تسهیل‌گر است.

● **آنجه امروز به‌عنوان روستا داریم، همان روستایی است که باید نقش یک جامعه مولد را داشته باشد؟ برآوردی از میزان مصرف‌را شدن دارید؟**
ما روستاهایی که داشتیم تولیدکننده و اساساً مبتنی بر تولید بوده‌اند، اما امروز روستاها مصرف‌را شده‌اند. قبلاً اینها تغذیه‌کننده شهر و سایر سکونت‌گاه‌ها بودند اما درحال‌حاضر مصرف‌کننده شده‌اند. از زمانی که به برنامه‌ریزی کلاسیک در روستا دامن زدیم، این مصرف‌کننده‌بودن رخ داد. وقتی روستا مصرف‌را می‌شوند، واردات بیشتر می‌شود و قادر به تأمین آن نیستید. تراز روستا بین تولید و مصرف را به هم زده‌ایم. تراز منطقه و ملی را هم به هم زده‌ایم. به‌این‌ترتیب روستا وابسته‌تر شد. درآمد آن هم فقط از طریق کارهایی که تولید در آن نقشی ندارد، به دست آمد. درنتیجه روستاییان به سوی کارهای خدماتی سوق پیدا کردند. در چنین شرایطی روستاها به خوابگاهی تبدیل می‌شوند که دیگر تولیدکننده نیستند. در دوره‌های مختلف برآوردهایی وجود داشته است. وقتی از خودبسنندگی کامل روستاها را خارج کردیم، روستاها مصرف‌کننده شدند. درحال‌حاضر بیش از ۶۰ درصد مصرف‌کنندگی در روستاها وجود دارد. از تولید خودبسنده کامل به ضریب تولید ۴۰ درصد رسیده‌اند.

● **اخیرا بحثی مطرح بوده است که یک وزارتخانه برای مدیریت روستا داشته باشیم. دولت مخالف این مسئله است و سازمان توسعه روستایی می‌خواهد. ساختارسازی برای ساماندی روستا منطقی است؟**

هر برنامه و هر نگاه و چشم‌اندازی نهادسازی می‌خواهد. وقتی می‌گویند به نهادسازی باید از دو جنبه توجه کرد، هم ساختار اداری (شامل نهادهای دولتی و مدنی) و هم رویه‌ها و قوانین و مقررات باید تغییر کند. وقتی ما می‌خواهیم توسعه پایدار روستایی و توسعه پایدار ملی داشته باشیم نیاز به نهادسازی داریم. درباره اینکه اسم آن را سازمان و وزارت بگذاریم، هنوز بحثی ندارم. اینجا بخشی از شهروندان ایرانی هستند و باید در حاکمیت صادی داشته باشند. الان این صدا را ندارند. یک متولی مشخصی که صدای روستایی را در هیئت دولت منعکس کند، وجود ندارد. باید سازمانی باشد که از حقوق آنها از جنبه وظایف حاکمیتی دولت دفاع کند.

● **دولت قصد دارد ۱٫۵ میلیارد دلار اعتبار صرف توسعه روستایی کند. آیا با پول‌های این توان روستاها را توسعه داد؟**
فقط با پول‌های این امکان وجود ندارد. باید بدانیم کارایی و اثربخشی این منابع چگونه است. توزیع فضایی آنها چگونه خواهد بود. اگر دولت بخواهد مجدد خود را چاق کند و بخشی از این تیکر را به خود برساند، نتیجه‌ای نمی‌گیریم. این منابع باید به نهادهای مردمی داده شود و اینها وارد عمل شوند و دولت فقط تسهیل‌گری را انجام دهد.

● **تاکنون برای تسهیل‌گری مشکل داشته‌ایم. آیا تلاش برای توزیع پول، در نهایت به انحراف اعتبارات منتهی می‌شود؟**

باید از جایی فرهنگ‌سازی برای تسهیل‌گری را آغاز کنیم. باید علاوه بر تخصیص این منابع، هم‌زمان نهادسازی را انجام دهیم. باید دانشگاه‌ها و نهادهای علمی و از سوی دیگر نهادهای مدنی و اجتماعی وارد عمل شوند زیرا در این مقطع به حضور آنها نیاز داریم.

تولید نان محلی و برندسازی آن، پرورش بلدرچین، مرغ بومی، قالی بافی، دام اصلاح‌زادشده و... در برنامه‌ها گنجانده شده است. او می‌گوید: بانک رسالت، انجمن فرهنگ قرض‌الحسنه و کارآفرینی دارد که اهداف آن منطبق بر طرح ترسیب کربن است. ۱۱ صندوق خرد مالی تشکیل‌شده در روستاهای تحت‌پوشش طرح ترسیب کربن را به این بانک متصل کردیم تا منابع مالی اجرای برنامه‌های ترسیب کربن تلاش را برای اقتصادی استان وارد می‌شود، راهی جز کنترل ایسن روند مخرب وجود ندارد. روستای بداف از بخش بهمن شهرستان ابرکوه نیز از مناطقی است که هفت تا هشت سال بارندگی را تجربه نکرده است؛ اما حسین طالبی، از ساکنان این روستا، می‌گوید مهاجرت در روستاهای منطقه با پیگیری می‌کنند. او اضافه می‌کند: بسیاری از طر‌ه‌های توسعه روستایی، سیاست‌های نادرستی را پیگیری کرده و با تفکر اقتصادی به‌دنبال دستیابی سریع به نتیجه و مانور سیاسی هستند. در نتیجه به هدف نمی‌رسند اما در پروژه ترسیب کربن، با ایجاد سرمایه اجتماعی مناسب و با تکیه بر اقتصاد رفتاری اعضای جامعه روستایی، بدون دریافت چک و وجه الضمان، تمام اعتباراتی که به مردم در قالب وام اعطا می‌کنیم، به صندوق‌های سرمایه‌گذاری بازگردانده می‌شود. معاون دفتر امور بیابان می‌گوید: دو نوع وام در صندوق‌های خرد روستایی تشکیل‌شده از سوی طرح ترسیب کربن به اعضا اعطا می‌شود. این وام‌ها تولیدی و خدماتی هستند. وام‌های خدماتی که بخش کوچک‌تری از اعتبارات صندوق را شامل می‌شود، صرف اموری مانند درمان، سفر و... می‌شود. هدف از اعطای این وام‌ها اعتمادسازی در جامعه روستایی است. اعضای صندوق‌ها به‌صورت زنجیره‌ای با هم نسبت فامیلی دارند و این مسئله سبب این می‌شود که اگر کسی وام خود را پس نداد، نزدیکیانش می‌توانند وام دریافت کنند. به‌همین‌دلیل بازپرداخت در این صندوق‌های اعتباری، وضعیت بسیار مطلوبی دارد. به گفته او مدل اقتصادی به کارگرفته‌شده در این طرح، وضعیت مطلوبی دارد و تمام بانک‌ها مایل هستند از این مدل استفاده کنند. یوپافر به «شرق» می‌گوید: پروژه ترسیب کربن در روستای بهبود ساختارهای شاخص‌های زندگی جامعه روستایی دستاوردهای درخور توجهی داشته است. بررسی شاخص‌های مختلف در پروژه دشت حسین‌آباد خراسان جنوبی نشان می‌دهد شاخص آموزش در سال ۲۰۲۸، ۲۰۲۸٫۷ بوده که به ۰٫۵ در سال ۲۰۱۲ رسیده است. شاخص امید به زندگی از ۰٫۷ در سال ۲۰۰۶، به ۰٫۷۷ در سال ۲۰۱۲ رسیده است. درآمد خاص سرانه نیز در این مدت از ۳۳۸، به ۳۹۱، رسیده است. شاخص توسعه انسانی از ۰،۴۴۱ به ۰،۵۵۳ و شاخص محرومیت از ۰،۵۵۹، به ۰،۴۴۷ رسیده است.

● مهاجرت معکوس در روستاهای یزد

روستاهایی که معیشت آنها به نزولات آسمانی گره خورده، با طوفانی‌شدن دوره‌های خشک‌سالی به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌اند. در چنین شرایطی، افزایش رفاه آنها به تکمیل و الحاق مدارک در خواستی و تحویل آن با ذکر موضوع و شماره مناقصه در پاکت در بسته لاک و مهر شده به دبیرخانه کمیسیون مناقصات پژوهشگاه صنعت نفت به نشانی مناقصه گذار تحویل و رسید در یافت دارند. * بدیهی است به مدارک واصله بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ادامه از صفحه ۵

نقدی بر یادداشت «آقای وزیر، آیا بازار سرمایه اسلامی است؟»

صنایع ریخته‌گری: کاهش قیمت حق تقدم شرکت صنایع ریخته‌گری ایران مربوط به کاهش میزان تولید و فروش پیش‌بینی‌شده آن شرکت است. به دلیل کاهش پیش‌بینی میزان تناژ فروش (از ۱۵،۱۷۶ تن به ۸،۹۶۱ تن) و به‌تبع آن کاهش درآمد هر سهم شرکت از مبلغ ۶۰ ریال به مبلغ ۲۱۶) (منفی دیویست و شانزده) ریال شده است. سرمایه‌گذاری سایپا: اولین پیش‌بینی درآمد هر سهم شرکت برای سال مالی ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ مبلغ ۱۰۵ ریال اعلام شده که طی اطلاعات پیش‌بینی درآمد هر سهم بر اساس عملکرد ماهه در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۲۳۰، رقم ۱۰۶ ریال رسیده است. ازاین‌رو، ادعای مطرح‌شده مبنی بر کاهش شدید سود شرکت صحت ندارد. سایپا آذین: پیش‌بینی سود هر سهم سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ یا سرمایه ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ مبلغ ۱۰۲۲،۸۴۶ میلیون ریال را در تاریخ‌های ۱۳۹۵/۱۲/۲۵ (حسابرسی‌شده) مبلغ ۱۶ ریال و سرمایه ۱۳۹۶/۱۰/۱۲۳۰،۳۲۲،۸۴۶ در تاریخ‌های ۱۳۹۶/۱۰/۱۲۳۱ یا توجه به اعلام شرکت مبنی بر انعقاد قراردادهای جدید با گروه خودروسازی سایپا مبلغ ۶۹ ریال و در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۳۰ مطابق اعلام شرکت به دلیل افزایش هزینه‌های عمومی و اداری و افزایش هزینه خریدهای ناشی از واردات مواد اولیه به دلیل افزایش قیمت دلار (در حدود ۲۰ درصد از مواد اولیه شرکت وارداتی است) مبلغ ۱۵ ریال اعلام کرده است. صنعتی دریایی ایران: شرکت طی سال مالی ۹۵ هیچ‌گونه اطلاعات مالی ارائه نکرده و اطلاعات و صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای و سلالانه حسابرسی‌شده را نیز با تأخیر در تیرماه ۹۶ ارائه کرد.

بنابراین از مهرماه ۹۶ مطابق اطلاعیه طبقه‌بندی شرکت‌های درج‌شده در بازار پایه، در بازار پایه ج طبقه‌بندی شده است. همچنین با توجه به بالا رفتن قابل توجه قیمت سهام و عدم ارائه اطلاعات آن شرکت علی‌رغم مکاتبات متعدد این سازمان، اطلاعاتی جهت توجه سهام‌داران و سرمایه‌گذاران به وضعیت اطلاع‌رسانی شرکت، در فروردین ۹۶ در سامانه کدال بارگذاری است. سرمایه‌گذاری پردیس: مطابق با پیام ارائه‌شده توسط ناظر بازار در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۶، حق تقدم شرکت سرمایه‌گذاری پردیس (پردیسج) با توجه به عدم کشف قیمت در روز معاملاتی قبل بدون محدودیت نوسان قیمت با استفاده از مکانیزم حراج تک‌قیمتی در آن روز آماده انجام معامله بوده و لذا ادعای مطرح‌شده مبنی بر تعیین سقف مجاز برای حق تقدم شرکت

صحت ندارد. رینگ‌سازی مشهد: درخصوص موارد اعلام‌شده جهت شرکت رینگ‌سازی مشهد لازم به ذکر است شرکت رینگ‌سازی مشهد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی در سال ۹۶ نداشته است و آخرین افزایش سرمایه شرکت در سال ۹۴ و از محل مزاد تجدید ارزیابی می‌باشد که مطابق قوانین حق‌تقدمی در این روش ایجاد نمی‌شود. شرکت ذغال‌سنگ نگین طیس: مطابق با مفاد ماده ۹۰ قانون تجارت تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود. همچنین سهام‌داران، تکلیفی درخصوص مشارکت در افزایش سرمایه ندارند. درحال‌حاضر در صورت‌های مالی شرکت معیشت تحت عنوان بدهی بابت حق تقدم‌های استفاده‌نشده شناسایی نشده است و مطابق با ماده ۱۷ دستورالعمل مراحل زمانی افزایش سرمایه منتشرشده در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۱۹ در سامانه کدال وجوه ناشی از فروش حق‌تقدم‌های استفاده‌نشده پس از کسر هزینه‌ها و کارمزد متعلقه باید ظرف مدت حداکثر ۱۰ روز پس از فروش حق‌تقدم‌های استفاده‌نشده به حساب دارندگان حق‌تقدم‌های یادشده منظور می‌شد که در صورت عدم رعایت موارد فوق سهام‌داران قادر به ثبت شکایت علیه شرکت و مدیران آن و پیگیری موضوع بوده‌اند. سایر شرکت‌ها: درخصوص سایر شرکت‌های ذکرشده در گزارش نیز با توجه به عدم ذکر دلایل، نمی‌توان به صورت دقیق موضوع را مورد بررسی قرار داد. یادآوری می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه از گزارش‌های مستدل که حاوی مدارک معتبر دال بر بروز تخلفات یا جرائم باشد، استقبال می‌کند و وظیفه خود می‌داند به منظور حفظ حقوق سهام‌اران این قبیل موارد را تا وصول نتیجه پیگیری نماید.



فرآخوان استعمال ارزیابی کیفی مناقصه عمومی (یک مرحله ای) شماره ۱۲۷۰ (نوبت دوم)
۱- نام و نشانی مناقصه گذار: پژوهشگاه صنعت نفت به نشانی تهران ،بلوار غربی مجموعه ورزشی آزادی کد پستی ۱۳۱۱۱-۱۴۸۵۶-۱۲۷ صندوق پستی ۱۴۶۶۵ ۲- موضوع مناقصه: ارائه خدمات ایاب و ذهاب ۳- مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: (در صورت قرار گرفتن در فهرست کوتاه و دریافت دعوتنامه) توان ارائه ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، بصورت ضمانتنامه بانکی با اعتبار ۳ ماهه و یا واریز وجه نقد به حساب پژوهشگاه صنعت نفت . ۴- مبلغ پیش پرداخت: ندارد ۵-تعداد، مدت و محل اجرای کار: روزانه حدود ۲۰ دستگاه اتوبوس ، ۵۵ دستگاه مینی بوس ، ۲۰ دستگاه سواری و ۸ دستگاه وانت طی یکسال شمسی از ابلاغ شروع بکار در محل پژوهشگاه صنعت نفت ۶- مهلت، نحوه دریافت و ارسال اسناد مناقصه: واجدین شرایط می توانند با مراجعه به پور تل پژوهشگاه صنعت نفت به نشانی WWW.RIPI.IR قسمت همکاری ها – مناقصه و مزایده، نسبت به تهیه اوراق استعمال ارزیابی کیفی اقدام نموده و حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۹/۹۶ نسبت به تکمیل و الحاق مدارک در خواستی و تحویل آن با ذکر موضوع و شماره مناقصه در پاکت در بسته لاک و مهر شده به دبیرخانه کمیسیون مناقصات پژوهشگاه صنعت نفت به نشانی مناقصه گذار تحویل و رسید در یافت دارند. شماره مجوز ۱۳۹۶.۳۸۰۱ دبیر خانه کمیسیون مناقصات * بدیهی است به مدارک واصله بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.